

رمضان المبارک از دربار پادشاهان غنیمت
مقصود نمود و صاحب منصبانی که با او نامور شدند
عالیجاه نظر آقای میر حسین و یک نفر قاضی نویسنده
بود و انشاء الله بعد از ورود عالیجاه قاسم خان
بتغلیس عالیجاه احمد خان قازم در بار پادشاهان
خواهد شد

تخم چینه بکنی دنیا که حسب الحکم آسمای دولت
علیه بصاحبان املاک اطراف دارالخلافه طرا
داده شد که بکارند قری عالیجاه حاجی محمد خان
سرکرده سواره پادشاه داده شده بود از قرار که
عالیجاه شازلیه نوشته بود در قریه خیر آباد
در این داده است کاشته اند و روئیده است
و بسیار خوب بعل آمده است و کلههای چهره رنگ
بسیار خوش کل دارد و مردمان آن اطراف
که مزیده بودند بتماشای کلههای او می آیند
روزنامه خواش می کنند که هر کس ازین پسته
کاشته باشد وقت بوقت تفصیل آنرا
بنویسد و بفرستد که در روزنامه چاپ شود
و معلوم شود که کدام زمین و کدام طرف سبزه کاشتن
و بعل آوردن این پسته بهتر است که انشاء الله
سال آینده در رشت در میان جنگل متداول
امورات قشونی

تعمیر و افواج قاهره نظام هر روزه با کمال نظم
مشغول مشق میباشند و میران پنجه و تیرپان
نیز هر روزه در مشق حاضرند

افواج افشار و سوار چمنه که نامور خراسان
بودند عالیجاه میرزا فتح الله شکر نوسر نامور
بسان آنها شده در سمنان سان آنها
در کمال دقت دیده زیاده از زده پانزده نفر قاضی
نماشته اند و در کمال نظم روانه سرحدت
محوه سجود شده اند

عالیجاه میرزا ابراهیم خان سرتیپ افواج
حسب الامر مقرر شد که هشتاد و دو فوج ابو کجی
خود را بزودی برداشته بر کاب بفرستد
جهت مشق حاضر سازد

سایر ولایات
از در بایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان
نوشته شده بود این اوقات مقرب انجانان
میرزا فضل الله وزیر نظام در خصوص کسب و خنجر
تومان خواهی که سبزه مصادف قشون آذربایجان
از دیوان اعلی معین و منظور شده است بحسب
سرکردگان متوقفین هر یک از ولایات آذربایجان
شرحی نوشته الزامی مضبوط از آنها گرفته است
که خواه نظام را از همه جا موافق قسطنطنیه که قرار داده
وصول کرده برسانند و از موقوفه مقرر بتا خیر بنده اند

این اوقات عالیجاه علیخان سرتیپ مقرب انجانان
عزیز خان اجودان با که حسب الحکم اولیای دولت علیه نامور
بمانداری مقرب انجانان شیرالدوله و نامورین دول خارج
برای تقدیم لوازم ممانداری روانه سرحد

۴۶۵

مازندران

چون نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا حکمران
 مازندران بعد از ناموریت مازندران از عهد
 تقدیم خدمات محکم بطور خوب برآمده و امر ولایت
 و نوکران حد و در بطوریکه منظور نظر اقدس علی حضرت
 پادشاهی و اولیای دولت قاهره بود منتظم
 و مضبوط داشته بود خاصه در امر لشکر مازندران
 که بسیار است تمام نموده لشکر را خوب بجا آورده
 و بسیار نمودند مباران در ازاد خدمات
 معزی الیه یک قطعه نشان از مرتبه اول
 و یک سبند تمایل سفید که مخصوص این مرتبه
 بافتخار نواب معزی الت حضرت و عنایت
 شد و بشمول این سببت عظمی قرین بمقامت
 و اعزاز آمد

اصفهان

این اوقات عالیجاه پیراعلی خان نایب الحکومه
 اصفهان چهارصد دست ملبوس نظام که
 حسب الحکم اولیای دولت قاهره در اصفهان
 تمام کرده بدر بار شوکت مدار مایون اعلی فرستاده
 بود از نظر انور اعلی حضرت پادشاهی و اولیای
 دولت قاهره گذشته و بسیار مقبول و ستیج
 افتاده و این خدمت عالیجاه پیرالیه و سایر
 خدمات و استقامتی که از او همواره در
 و انصبها با امر ولایت و وصول و ایصال الیه
 بطور رسیده و میرسد در نظر اقدس علی حضرت

پادشاهی و اولیای دولت قاهره بسیار
 پسندیده افتاده و در سلام عام سرکار اعلی حضرت
 شاهنشاهی از حسن خدمت کناری و نظم و
 ولایت داری او تحسین و انظار رحمت و عنایت
 در باره عالیجاه شازاد الیه فرمودند

از سربازان فوج بر خوار و مارپن چون جدید بودند
 و خدمت قشونی نمیده بودند بعضی فتنه را کرده بودند
 سی نفس بر آنها را عالیجاه پیراعلی جان گرفته
 معیند و مجبوس روانه داشته است و بقیه
 که سبجای دیگر فتنه را کرده اند تنبیه کامل بنابر
 بنمود بان نشان کرده است که سربازان را پید
 کرده بیاورند

فوج چهارم خالی وقتیه و سیمتری را که حسب الحکم
 احضار بر کاب بفرست انتساب مایون شد
 بودند عالیجاه پیراعلی خان در سیم اینجاه از
 اصفهان روانه داشته است که درین روزها
 بر کاب مایون خواهند رسید
 کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
 کاروانسرای میان طاق را که سالهاست مخروبه است
 و بواسطه خرابی آنجا زوار و مترددین در رحمت و عنایت
 بودند نواب شاهزاده امامعلی میرزا حکمران کرمانشاهان
 از خود متخواه داده اند که تعمیر و آباد نمایند و انشاء
 تعمیر تعمیر و آباد خواهد شد

اجتار و دول خارجه

درین روزها اشخاصی از اهل انجلیس که از جمله عبا و ملت
عیسوی اند چند نفر از اهل خود بخدمت پادشاه پورتغال
فرستاده اند که بروند پادشاه عرض بکنند که بکلی
قراری بگذارند که برودن و فروختن غلام و کنیز از مغرب
بنگی و نیاد داد و ستد آنها موقوف باشد پادشاه
پورتغال اذن داده بود که این اشخاص بجزور او بیایند
چونکه میدانست که منظور این اشخاص رفع تعدی
و ظلم از خلق و آزادی در میان رسوم طوائف روی
نسبت بفرستادن و کان بزبور کمال لغات معنی داد
و گفته بود که چند سال است که دولت ما آنچه
ممکن است سعی و اهتمام مینماید که گرفتن و بردن
فروختن غلام و کنیز موقوف باشد خصوصاً از آنوقت
که با دولت انجلیس درین باب عهدنامه بسته شده است
و امید است که در اندک مدت این داد و ستد منقطع
بشود

حکم در میان آنها قرار گرفته است بعضی پول فرانسه
از مس است و بعضی از برنج و بعضی مس در برشت
مشغال یک مثال نقره دارد و در داد و ستد دیوانه
این پولهای فرانسه همه یک قسم رواج است
اما در میان خلق باز باختلاف داد و ستد
حالی لویی ناپلیان بنا داد که کل پول فرانسه را
بیکطور رواج نماید

گفته است که از وزرای قدیم آن مملکت است درین روزها بشهر
و بیستم پای تخت دولت استریه رفت و چند
وقت است که با وزیر دول خارجه آن مملکت در مصلحت
و مشورت نشسته است و از فراری که مردم کمان میرزا
کو یا میخوانند فراری در بعضی از امورات دولتی
بگذارند

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که لویی
رئیس آن مملکت بنا داشت نسبت جنوب مملکت
فرانسه سیاحت نماید و موسیو و کاز و زیرقون
سجری پیش از آنکه لویی ناپلیان بشهر رود و بیاید برای
تدارک معانی رئیس بزبور با نجا آمده بوده است
سابقاً وقتیکه مقصری از ولایت انجلیس بولایت فرانسه
یا از ولایت فرانسه بولایت انجلیس مابره رسیده
سایر ممالک فرانستان میکرد بخت گرفتن و
تنبیه نمودن بسیار مشکل بود چونکه چاکران دولتی
که مقصر از آنجا فرار کرده بود اذن نداشتند که از سر

۴۶۷

دولت دیگر عجز کرده مقصد دولت خود را بگیرد حال
 در بعضی دولت عهد نامه دیگر بسته اند بطوریکه کردن
 انقدر اشکالی نداشته باشد از جمله کسیکه خون
 با دزدی نموده باشد و درین روزها این دو بین
 انگلیس و فرانسه گفتگونی است که بلکه تفراری بکنند
 که گرفتن مقصود این که از ملکین بزور رسد یکدیگر بگذرند
 مشکل نباشد اما اهل مشورتخانه انگلیس و درین خصوص
 بسیار با احتیاط و صلاحیت و مشورت تمام راه میرود
 از آنچه که دولت انگلیس میباید جاه سار دول
 زمین است و از قدیم این قانون درین دولت صدق
 و میرسد که در فراری که در گرفتن مقصود داده خواهد
 میاد این قانون قدیم برسم بخورد
 در مملکت میویش که خود آن مملکت بلوکات جداگانه
 و هر بلوکی دولتی دیگر میباشد چند سال
 با یکدیگر را میبروند و بی نظمی باین آنها سبب نظمی
 در ولایت اطراف شده است و درین روزها
 نوشته اند که در فریت که دول بزرگ فرنگستان
 چند نفر کبیل معین بکنند که در مشورت نشسته و
 خصوص امور این ولایت فراری بگذارند و لکن با بجا
 این قرار گذاشته شده است اما دولی که هم جوار
 و هم سرحد سویش است از جمله دولت فرانسه
 و دولت استریت و پندمانت و غیره لایق میشوند که
 فراری در امورات آن مملکت بگذارند
 در روزنامه فرانسه نوشته اند که در شهر بلین با
 پروتیه شهرت داشت که پادشاه پروتیه

با امپراطور استریت بیازد و امپراطور روسیه شهر
 و از شته خوانند
 احوالات متفرقه
 مدتی است که در ولایت انگلیس و بعضی شهرها
 فرنگستان بخار ذغال سنگی بجهت روشن کردن
 در کوچها و اطرافها در شب بجای چراغ مصرف می کنند
 و روز بروز این بخار را بنر و روشنتر بسیارند حال
 بطوری رسانده اند که بگذارد بسیار پول ایران که باین
 ذغال سنگی خرج میکنند مقابل سه تومان شمع
 کافوری و دو دوازده هزار دینار شمع پویه روشنا
 میدهند باین بخار ذغال سنگی پوی نشاد و گوگرد
 میداد حال بطوری صاف کرده اند که این بوزا او
 رفع شده است و روشنائی بهتر از شمعها
 و چراغها که از هر قسم روغن باشد میدهد
 شخصی در مملکت تینکی و بنای شمالی که اطلاق زبان
 با بر دارد که آباد نیست بابل فرانسه که درین اوقات
 بجهت انقراض از ولایت خودشان اخراج بل
 شده اند تحلیف کرده است که بیایند و در آن املک
 گن حبه آبخارا ایچلیکه آبادی در آورند و خود آن
 املاک را قطعه قطعه نموده تقسیم کرده و بآنها می بخشند
 کسی سبب این کار را میداند و لکن در چند روزها
 بتکی دنیا این مطلب را اعلان کرده است و املکی که
 دارد در بسیار جاهای با صفا و خوب اتفاق افتاد
 و لکن هیچ آبادی در آنها نیست که کاهکای مردمان

۱۶۸

جنگلی که از اهل قدیم آن ولایت هستند در آنجا
 شکار گشت مینمایند
 اهل چین اگر چه طبیعتاً شیورند و لکن در ولایت
 خودشان بسیار به خوراک اند و چیزهای کثیف
 از جمله گوشت سگ و گوشت موش و غیره بخورند
 بسیاری از اهل چین این اوقات بملکت کلی فارس
 رفته اند و چونکه موشهای آن ولایت بسیار در عشت و
 فربه میباشد و زیاد هم هستند اهل چین این موشها
 میگیرند و میخورند و از آکراه و برسم خوردگی بسیار
 خلق که در آنجا هستند احترازی گشتند
 در ولایت آستریه بنا دارند که مدینه نامند تا بجه
 که در نظام باید صاحب منصب بشوند زیاد میکنند
 و وازده مدرسه از برای این اطفال معین کرده اند
 اطفالی که کمتر از یازده سال داشته باشند بعد
 آنکه یازده سال درین مدرسهها تحصیل قنون نظام
 و غیره کرده و قابل شدند آنها را بدوازده مدرسه
 روانه نمایند و شش سال هم که در این مدرسه
 تحصیل کردند آنها که خوب قابل شدند باشند
 منصب نیایی در قشون سجزی با تری میدهند و
 بسیارین که انطور قابل شدند باشند باختلاف
 و کسبلی یاده باشکری یا تابیسی میدهند و در
 استر چند زبان مختلف دارند و بسیاری از اهل
 قشون زبان نمیدانند درین مدرسه که نام
 قرار گذاشته اند هر زبان نموده نیز یاد میدهند
 و کسب که زبان نموده اند صاحب منصب نخواهند

ملکت پورتو قال بسیار میوه خانه خوبی است و اکثر
 مرکبات و میوه که بولایت انگلیس می آید از آنجا
 میفرستند و بعضی از میوه را بطور خوب نگاه میدارند
 از جمله نارنجی و پورتو قال و دیگری از روزنامه های انگلیس که
 تاریخ او چهل و شش روز بعد از عید نوروز بود نوشته
 بودند که کشتی از آن ولایت بولایت انگلیس آمد
 و از جمله بار تجاری که داشت مفسد و پنجاه و شش
 صندوق پورتو قال و نارنجی بود و انکور را نیز بطور خوب
 نگاه میدارند و طور نگاه داشتن آن این است که انکور
 در فصل پاییزی چسبند و بگرد زور پیش اقباب نگاه میدارند
 و بعد از آن در میان تخم میکذارند با خاک خوب که
 از دم آزه تجاری تسبیح کرده و خشک نموده اند
 آنچه ممکن است سعی میکنند که انکور بیکدیگر چسبند و
 خاک آزه در میان آنها فاصله باشد و بعد از آن
 هر تخم را میگیرند بطوریکه نفس کشنده داشته
 باشد و جو را داخلش نشود و میبازند تا وقت بهار و گاهی
 چنین خوب میماند که غباری که انکور سیاه در وقتیکه
 بار است و هنوز از خاک نچسبیده اند دارد آن غبار در
 انکور تا وقتی که از تخم بیرون می آورند باقی است
 در روزنامه های روسی و نیازی داشته اند که بازنگار
 داشتند که بعضی از اهل آنجا میخواستند جمع میشوند
 دوباره بجزیره کوبه یا جزایر دیگر که مال دولت اسپانیا
 بودند و کارشان بسیار مخفی بود و هنوز بر روزنامه
 اما چونکه امثال دولت روسی و نیای شمالی از عمل آنها

۴۶۹

مختر شده اند بدست که منقح نمایند و نگذارند که در وقت
 رفته در خاک استپا نیول جنگ و خونریزی
 نامیده

از سمت جنوب مملکت فرانسه نوشته اند که
 در آنجا نیز مانند ولایت انگلیس درین فصل بهار
 هوا بسیار خشکی که گشته و بارندگی کم شده است

و چونکه در آن ولایت اکثر زراعت و حاصلشان
 در زمستان بعضی از محصول بسیار کم خواهد آمد بلکه
 پاره چیزها بجان میوزند که هیچ بعل بسیار از جمله

کیلاس و آلبالو و میوهائی که زود رس اند
 و چونکه چهل روز بعد از عبور بارندگی شده است
 غله خوب بوده است و امید داشته اند

که بجهت غله تنگ دستی نمکشند و چون اکثر تجارت
 و گذران آن مملکت از تاک انگور است بجان میوزند
 که آن خشکی اول بهار بتاک انگور ضرر رسانده باشد

در روزنامه استپا نیول نوشته اند که نزدیک خان
 طاکوئس زمین دلمان آن کوه نزدیک بود خانه
 طبیب شده بود مانند اینکه بازو طرد زبیرش

گذاشته و آتش داوه با سهند سنگهای نیرک
 میان رودخانه افتاده و در زخمها از جای خود باقا
 چند ذرع حرکت کردند و اکثر خاک سنگ

بمان رودخانه افتاده و در یک جانی خاک سنگ
 برآه عبور مردم ریخته است بطوریکه آب و کالک
 دیگر از آن راه عبور نمیشود و از یک نزدیک با آنجا

قرآونخانه است یکی از قراولها دیده که زمین طبیبند
 شده است و خاک و سنگش با این میریزد این
 شخص ترسیده و گریخت زلزله شده و صدائی

معلوم نگردیده و آب از آنجا میسر و نسیانده
 و سبب بالا آمدن زمین آنجا را نمیدانند
 در سال گذشته از جزیره ساردینیا از دیوان پرتغال

قرار داده بودند بجهت ساختن راهها و سایر امور لازمه
 دولتی چونکه اول آن جزیره بسیار قبل و بکاره اند
 چندان کار نمیکردند با اینکه دیوان حق فکلی آنها را
 میدادند امسال چونکه خبر ولایت پیدا شد رسید که
 فخله و علمه خواسته بودند سپاری ازین اشخاص از آن مملکت
 رفته اند و حال مشغول ساختن راه دپل غیره هستند
 و دولت امید دارند که در آنکه مدت تفاوت کلی در
 آبادی و احوال اهل آن مملکت بکند

اعلانات

کتابهای چاپی که در دارالخلافه طهران در کارخانه
 حاجی عبدالحمید استاد دارالطباعه این روز
 در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده است
 از اینقرار فروخته میشود

- کتاب نینه المجالس یک تومان
- کتاب شکر المجالس دوازده هزار و پانصد
- کتاب قصص الانبیا پنجاه و بیار
- کتاب یوسف النجا چهار هزار و بیار
- کتاب تاریخ معجم پنجاه و بیار

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه بیست و نهم ماه شوال المبارک سالی ۱۲۶۶

غزه مشتاد

بر کس در طهران خریدار شده
ازین روز تا هفتاد روز بازار
باید در دوکان سبزی
بورج و سس و خربزه مشغول



قیمت روزنامه
یک ششصد و بیست و نه
قیمت اعلانات
یک سطر تا چهار سطر یک هزار دینار
پنجاه سطر تا هشتاد سطر

اجتار و احسان مالک محروسه پادشاهی

دار انحلاف طهران

اعلیحضرت پادشاهی بجهت خوبی آب هوای رود
بناد دارند که بتفریح و تماشای شکار کبک آنجا
شوند و درین روز تا هفتاد روزی که کبک بایرون
از سبلاق بناداران با نظرف باوشان
زود بار حرکت خواهند فرمود و چون کبک
در آنجا فراوانست چهار پنج روز برای شکار کبک
در آنجا توقف می نمایند

با صفا و عمارتی لمرکانه و قابل می شود و چون که آب
آن مکان بسیار است بسبب زیادتی آب
و خوبی مکانش و قریبیکه تمام شود از جمله تفریح گاه
زیبست و آرایش اطراف دار انحلاف طهران
شد و چون منظور اعلیحضرت پادشاهی این است
که عمارات و جاهای خوب در شهر و اطراف
دار انحلاف طهران ساخته شده و در روز بروز
شکوه و زینت دار استکی آن افزوده شود

از جمله عمارات جدید که حسب احکام اعلیحضرت
پادشاهی در اطراف دار انحلاف طهران
ساخته میشود چنانچه در روزنامه های سابق
درشته شده است عمارت چشمه علی است
که در شهرتیم رتی در سر راه شاهزاد عبدالعظیم
که از راه دولت آباد میرود واقع است زمین
که حجار و بنا و عمل در آنجا کار میکنند اگر چه هنوز
تمام است و لکن از طرخی که معماران در روی کاغذ
کشیده اند معلوم میشود که جای بسیار خوب

جناب جلالت اباعتماد الدوله العلیه صدر اعظم هم
باغ موسوم بپاد او تیه داکه سابقا با رعنائیه مشهور
و باغی خراب فارسی از عمارت بود و مقصد آشتند
که عمارتی سنگین و باشفا و در آنجا ساخته شود
و چندیت معمار و بنا و عمل در کارند و بسیار خوب
و ممت از میانند یک کار عمده و آمار بزرگ
از سلاطین کل روی زمین که در شهر ملک
و هر دو لایت باقیست ساختن عمارات
لمرکانه است که آما جلال استقلال آنها

و الحق درین دولت جاویدت علی عمارت
شهر و باقالت و عمارت اطراف و داخله و طران
نسبت بزمانهای سابق بسیار زیاد شده
دیگر هم رسانده است که در زمانهای سابق
باین آراستگی و امتیاز نبود و امیدست که روزی
از امام علی حضرت پادشاهی و امنای دولت
علیه شکر و شکر و عمارت و جمیع این شهر
بیشتر و بهتر شود

نظر بطور صداقت و وفور خدمات امیر الامراء العظام
محمد حسن خان سردار و شایستگی و قابلیت
عالیجاه عبداللہ خان پسر شارالیه منصب
سیر پنجه کی پنج فوج از افواج قاهره را بجایگاه عبداللہ خان
عنایت و فرمان سپایون و خلعت بافتار او
مرحمت فرمودند

چون حکومت کرمان با امیر الامراء العظام سردار
مفوض و موقوف گردید نظر بلا حاشیه انتظام و
انضاط کلیت امور آنجا منصب سرتیپی افواج
کرمانی و غلام تقی کچی و جهازه سوار کرمان را بجایگاه
یوسف خان پسر سردار مرحمت و فرمان سپای
و خلعت عنایت فرمودند

این اوقات از آدمهای جناب جلالت تاب
وزیر مختار دولت پتیه روس ایذا و اذیت
بچند نفر از ظایفه بود که متوجه دولت علیه ایران
میا شدند بطور رسید بود جناب معز علی
آدمهای خود را که مصدح خلاف قاعده و ایذا

و اذیت نسبت بطایفه مزبور شده بودند
نزد عالیجاه محمد خان کلاتر فرستاد که
تنبیه و تادیب آنها را عالیجاه پشدارالیه در حوز
تقصیر از آنها بعل آورد و عالیجاه پشدارالیه نیز بنا
احقاق حق موافق خواست جناب معز علی البید قی
نمود و قبضه از آنها بعل آمد و چند روز پس
شدند اولیای دولت علیه ایران ظهور این نوع
قاعده دانی جناب معز علی البید را زیاد با سخا
ور و ابط و داد و دلستین محمول داشتند معلوم
بعد از آنکه همیشه اینگونه اتحاد را بنامین دولتین
ملاحظه نمایند از مثل جناب معز علی البید بسیار
شایسته و سردار و از دلایل اتحاد و دولتین محسوب

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
نوشته شده بود در سیم ماه شوال چهل و شش
نفر ترکان از ظایفه ضلالت افغانی و تکه طرینی بفرمان
و تاز بست تربت شیخ جام بیرون آمده
بودند اتفاقاً از قلعه زرق که یکی از قلعات خراسان
جسمی از ظایفه زن آن که عدد آنها قریب سی نفر بود
نظر بعبادت مرئوسه خودشان که در ایام عبید فطر
چند روز تعیش مشغول میشوند محبتی که موسوم
نور و از قلعه مزبوره بقدر نیم فرسنگ دور
رفته بودند و مردان آن ده تماماً مشغول جمع آوری
محصولات خود بوده اند درین اثنا سوارهای ترکان
اسب از اخته و تامت آن جماعت نواز را

کرده و برده اند قریب بنظر خیر سواره عالیجاه
 گردید و خان بیکر بسکی هزاره که الان در باغ
 آمده سگنی دارند رسیده و فرزند خان فرزند
 بقدرده پانزده سنه رخ تعاقب کرده و شب
 با آنها رسیده آن چهل و شش نفر سوار ترکان
 با اسب و یراق یکجا دستگیر و اسیر ساخته
 و تمام زن و دختری که اسیر نموده بودند
 مستخلص نموده و از قرار یک نوشته بودند در
 دوازدهم ماه فروردین ترکان را وارد شهر مشهد
 مقدس نمایند

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که
 این اوقات خان خوارزم سجد و در آمده
 بوده است و مقارن ورود او با سجد و چون
 خلیفه عبدالرحمن وفات یافته بود طوائف سار
 و سار و ق پسر او را بجای او خلیفه ساخته با
 خوارزمی بجادله برآمده آنها را از حوالی طلع مرز
 عقب نشاند و باطنیان خاطر در کمال استیاد
 در مسکن خود نگر دارند و عالیجاه که براد خان چکر
 هزاره را بجا دست و امداد خواسته بودند عالیجاه
 مشارالیه نیز بلاحظه امشب وار کردن آنها آنها را
 خاطر جمع کرده بوده است که در وقت ضرورت
 ملکت و امدادی که لازم بوده باشد با آنها پساند

و عالیجاه مهد فیصلی خان سرکرده سوار شامسون
 ایشان را با سواره ابوالحکم خود در چمن کالی با قوی که
 در دو فرسخی شهر مشهد مقدس است چادر زده
 و بسیار با نظم و قاعده حرکت می کنند که از آنجا
 خلاف قاعده نسبت کبی صادر می شود

احوال مفرقه

از جمله سیاهای مغرب زمین بعضی قانونیهای عرب
 ازین طایفهها که بسیار از پیشکی دنیا پذیرند
 خودشان پادشاهی دارند که قرادل افواج
 او که قریب بدو هزار نفرند کلا زن اند و این علام
 کنیز که میفرود شدند پادشاهان در جنگ چو گرفته
 میشوند و پیش پادشاهان آدمی را قربانی می کنند و یکی
 آرایش خانه و علم و سیدق آنها که سر آدمی است پادشاهان
 انجلس که درین روزنامه بان ستمها رفته بودند این
 حکایت را بیان می نمایند و در آن پن که آنها در آنجا
 بوده اند و تقریر آورده اند که قربان نمایند پادشاهان
 مذکور التماس چهار نفر از آنها را کرده و هر یکی را
 صد باجا قلو داده و خریده و آزاد کرده اند

از قرار یک در روزنامه هرات نوشته بودند این
 اوقات امیر الامراء العظام سعید محمد خان سردار

تعبی اوقات اتفاق می افتد بجهت آن کشتیها که
 قطب شمالی در فصل تابستان بجهت شکار ماهی
 بزرگ میروند که بجهت آن دریا زود بسته میشود
 در میان بچ که در آنجا مانده که است بندی شوز و
 و بعضی اوقات کشتیها از ضرب سگسند خورد
 میشوند و گاهی قسم می توانستند که کشتی را از آنجا بکشند
 بیرون بسیار نزدیک کشتی درین روزها از بچه
 وارد شده است که یک رستمان تمام در میان
 گیر کرده و مانده بود خبری که اهل آن کشتی آورده بود
 این است که در کشتی دیگر در آنجا دیده بود که
 اینها را نیز بسته بوده است فرستند تا بپسند که در
 آن کشتیها کسی بسم می رسد بانه در میان آنها کسی
 نیافته بودند بعد معلوم شد که بزور قها سوار شده و
 و کشتیها در آنجا مانده و صنایع شده اند و در آن
 یک کشتی دیگر باز بهین طور دیده اند که خالی بوده
 شال باقیهای مملکت فرانسه و آن اطراف عینه
 داده اند و اسناد کرده اند که گمگ زیاد در شال
 زمه کشمیری که از خارج می آورند بگذارند از قوار شال
 بگذرانند که صد تومان پول ایران باشد و هر
 چهار قدر که نفع شالی باشد پانصد فرانک که بجا تومان
 ایران باشد گمگ بگیرد و حرفشان این است که اگر این
 گمگ گذاشته نشود از خارج خصوصاً از ولایت
 انجلس این شالها را زیاد می آید و گاه خانهای آن
 میخوابد

عمارت بلور را که پارسال در لندن بجهت گذاشتن
 اجناس صنعت کاران شکل روی زمین برپا
 کرده بودند درین روزها بنا داشته اند که بعد
 مقدار هزار پوند که صد و شصت و یک هزار تومان پول
 ایران باشد باین عمارت داده اند و بنا دارند
 که از آنجا برود داشته در جای دیگر لندن که باصفا
 باشد بگذارند
 عدد قشون فرانسه که امسال در دستور العمل دیده
 سیصد و شصت دانه هزار قشون رکابیت غیر
 مستحفظ ولایت که ردیف کرده اند شال نیاستند
 و غیر از اینها بیست و یک هزار قشون دیگر دارند که کار
 و شغل اینها گرفتن مقرر و در ولایت است
 خواه در شهر و خواه در بلوکات و اینها را از مردم
 می نامند از قشون رکابی مقدار هزار در جزیره آبر
 میباشند و کی نیز در خارج ولایت فرانسه
 و ما بقی همه در خاک فرانسه اند
 اعلانات
 کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالحمید
 استاد دارالطبایع این روزها مهیا در محله نزدیک دروازه
 دولا ب انطباع شده است از اینقره فرجست میشود
 کتاب دبستان یک تومان
 کتاب کلیات شهزاد دنیا
 کتاب تفسیر نامه پنجم در دیار
 کتاب فابوس دو تومان
 کتاب کسکول هفت هزار دنیا

علیہ نوشتہ و خود نیز شرف حضور ہایون
اعلیٰ حضرت پادشاهی شد

روز یک شنبہ بیت ہشتم شہر شوال
کہ سرکار اقدس ہایون شاهی بجزم شکار چنگ
از قصر سیاق بناوران من اعمال شہیران
دارا سخلا و طہران تشریف فرمای شکار گاہ بودند
شش نفر از الواط و اشرا و اہل خیانت بہمانہ
موضعی گری و نظم بر کاب اقدس ہایون
شاهی نزدیک شد و بقصد اسب و جو
مسود ہایون دست بقمہ و طپا سنجہ زدہ اعلیٰ را
بکار بردند و لیکن از آنجا کہ حفظ و حرمت حضرت
خداوندی جل شانہ و غم گرمہ جزو قایہ و جو قایہ
مبارکشان بود بچہ اندہ تعالیٰ میچیک از آلات
و ادوات آنها کار گریا نہ و سو فطرت و جنت
نیت آنها بچہ و شان راجع شدہ سے نفر آنها
ہست آمدہ یک نفر بہت تمیزین رکاب سٹاپ
در حضور ہمایون بسزای خود رسید و دو نفر
دیگر گرفتار شدند و سے نفر دیگر ہم از قرار تقریر
و و نفر کہ دستگیر شدہ اند در چاہہای قنوات بناوران
خود را پنهان نمودہ اند از بخت بلند اعلیٰ حضرت پادشا
ہستادہ بسزای خود خواهند رسید چونکہ از
برای امانی ایران ملتہ بزرگیت مقرر فرمودند کہ ہر
از روز سلام عام شدہ و شہادت قیام علی
و امانی این دولت علیہ کہ در دربار ہمایون حاضر بودند
ہر یک بکرانہ سلامتی و جو مبارک بشادی و
پردہ ہند و وزرای دولتین بہترین انگلیس و روس
ہر یک بر اسلہ و تہنیت باولہای دولت

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه سیم ماه ذی قعدة الحرام مطابق سال سیحان ۱۲۶۴

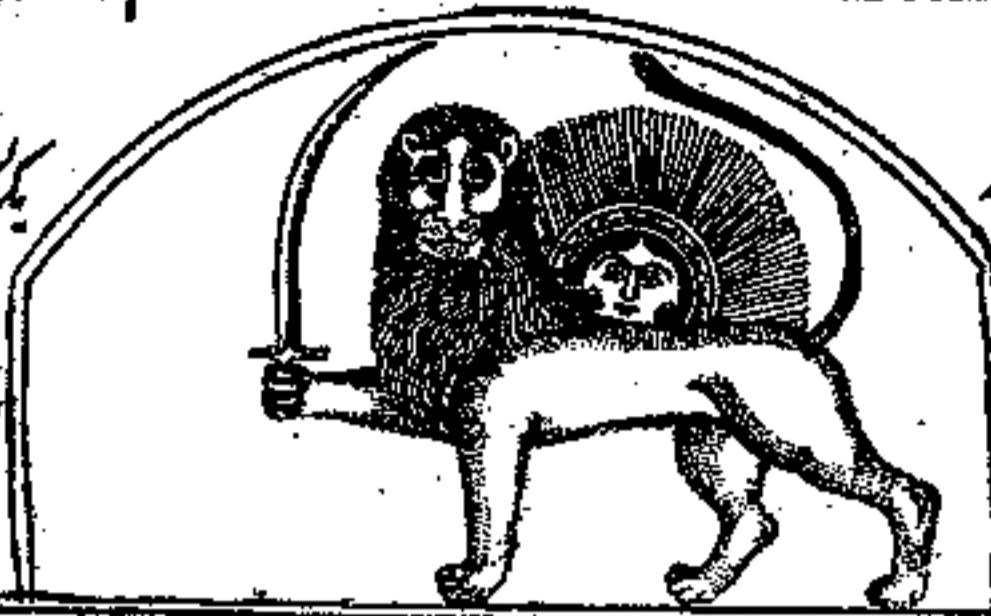
نهمین روز است و یک

هرگز در طهران خیزد از نسخه

امین روزنامهها باشد و

بازار جدید در دکان قیصر

بدر خوش فروخته میشود



قیمت روزنامه

یک نسخه در طهران

قیمت اعلامات

یک سطر الاحاطه یک سطر بزرگ

بیشتر با هر سطر پنج

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در ضمن روزنامه سابق مجلی از تفصیل واقعه روز یکشنبه بیت و مفتح شهر شوال المکرم حیات آن حرام زادگان جنبیت و شفی که العیاذ بالله قصد وجود فایض ابجد و علی حضرت قوی شوکت شایسته خلد الله ملکه و سلطانه را داشتند و مقصود کلی از آن روزنامه محض اعلام از سلامت و آسایش البرکات و حصول چشم روشنی برای کل االی ممالک محروسه و خرمی بجهت جمیع شویگان ممالک بعد بود تسلی و مسطور و بیستن و مذکور شد حال هم از آنجا که اعلام مجدد از سلامت و قیامت وجود جاپون برای مزید سرور و ابتهاج عامه و اظهار مفضل از طرز خدمتگذاری و جانفشانی کسانی که در آن ساعت پایه در رکاب سنباط سعادت حضور داشتند لازم و واجب بود لهذا بنحایت این مراتب نیز پرداخته شد کار علی حضرت شایسته دام سلطانه که در روز که سوار شوند درین بین علی القلی کی از آن خبیثها که

مزبور دو ساعت نیم از مطلع افتاب گذشته بقصد و اراده شکارگاه سرفین فرمایند همه اوصاف و تزییبات و مقدمات سلطنتی بطرزهای معهود و طورهای مالوف قیام و موجود و منتهی نظر مقدم مبارک ملوکانه بودند چنانکه طلعت مسایون پدیدار شد جناب جلالت آفتاب اجل اکرم صدر اعظم انعم و اکابر پادشاهان دربار و عاظم فدویان حضرت شوکتدار که هم پیش از وقت حضور داشتند و در اثر خاکسپای جاپون از محوطه عمارت پادشاهی بیرون آمدند جناب صدر اعظم مستوفی الممالک و مقرب الحاقان میرزا کاظم خان نظام الملک و اسد الله خان امیر خور و بعضی دیگر از معارف و اعمام چاکران از امر دستوفیان و غیره در رکاب سبک پیاده میرفتند قدری بفاصله جناب صدر اعظم را اجازت سواری از جانب آفتاب علی حال خود با جمعی که در دور ایشان بودند پانی نگاه داشتند که سوار شوند درین بین علی القلی کی از آن خبیثها که

اسد

۷۷۱

که از اهل نیز قارس بود بیست و هفتی و اگر
 و الوار فریاد گنان مهورانه و جورانه و دیده که
 عرضی دارم چند نفر از چاکران در بارشاهی که مقرر بکار
 مبارک بودند تهور و جسارت او را که دیدند محض
 حریم رکاب مبارک و بی خبر از آنکه آن جنبش منظمی
 دارد پیش دیده با او در او نخواستند که درین بین قبل
 از آنکه فرصت را فوت کنند طپانچه بطرف مایون
 خالی کرده و در آنجا طپانچه خطا رفت یکی دیگر
 اولی طپانچه بدست بی محابا دوید جلو و ار که در آن بین جان
 بود هنگام خالی شدن طپانچه دست او را چنانچه
 تیر آن طپانچه نیز خطا رفت و سجد الله تعالی استیجابی بود
 مبارک نرسید با اینکه ضرب قدم که از دست متعجب
 اسد الله خان امیر اخور خورده و طپانچه از دستش قیاد
 بود باز خود را جمع کرده قدم برهنه از بغل مرون آورد
 مگر بن رکاب مایون او را دور کرده کارش را ساید
 سخن خودش غلطانند هنوز کار او تمام نشد جنبش
 مثل دور فوق اولی خودش غنچه رسید طپانچه بطرف
 قرین الشرف اعلی خالی کرد و اعتقاد مگر بن رکاب
 مایون این بود که ساچه این طپانچه هم تکی خطا
 رفته باشد زیرا که هیچ آثار تغییر حالت از سر کار
 اعلی حضرت نوی شوکت پادشاهی نغیند لکن بعد از
 در نهایت دلیری با استدعای جناب صدر اعظم
 سرفرازان مستوفی الممالک سپاه مگر بن رکاب
 فزای باغ صندوقخانه که در آن نزدیکی واقع است
 معلوم شد که چند ساعده را کلیجه بن مبارک گذاشته و

از میان دو شان سه را با لارفته اکثری کار گزینان
 دو سه پارچه پوست بدن مبارک را خراشیده
 و قدری هم فروخته بود اینک اندک مجال هر یکی
 و شرارت برای آن اشرا را جناب شد با بن جنبه
 بود که مگر بن رکاب مستطاب جمعا سجد سوار شد
 چنانچه رسم است در رکاب حاضر نبودند که
 سعد و دی شاطران و شاطر باشی و جلو داران
 و فراشان و مقرنی انخانان مستوفی الممالک و
 نظام الملک و الا پر ظاهر است که آن اشرا را فرصت
 جرات و ایقده حرکت نبود و البته در اول امر
 هر سه از آنکه حرکتی نماند معهورا گرفتاری شدند
 با بجه گرفتاری و رفع آن شریر ستمی نیز بدست
 از مگر بن رکاب مبارک از قبیل شاطران و ورا
 واقع شد و ازین سه نفر اشرا شریر اولی دستگیری
 و از برای تقسیم رفقای خود محبوبس اندوان
 شریر دو تپی سخن خود غلطید چون او بیای دولت
 علیه منظور دارند که این کیفیت تفصیل در روزنامه
 نوشته شود انشاء الله در روزنامه اینده مفصلا
 و مشروحا با اسامی چاکران در بارشاهی
 که هر یک چه نوع خدمت کرده و در مقام جان نشانی
 از جان خود مصایقه و در بیع نمودند نوشته خواهد
 سایر ولایات
 خراسان از فرار یک در روزنامه خراسان
 نوشته شده بود در اوایل ماه سوال قریب چهل نفر
 سوار ترخان در لوک بسیار جمعه در سر راه چپاول

۴۷۷

کرده چهار نفر از امالی دانت بیار چند
و دو نفر چوبان از دو فرسخی بیامی اسیر کرده
برده بودند در نزدیکی بجنورد عالیجاه محمد رحیم خان
حاکم استخا آنها را برسم زده و سی نفرشان را
دستگیر کرده جمیع اسرار از دست آنها
مستخلص ساخته همه را صحیح و سالم با بجانها
خود مراجعت داده است

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که
عالیجاه مقرب انخاقان علیقلی خان میرنجه در راه
از منازل عزم راه خراسان سپار با نظم
قاعد حرکت کرده و از افواج مسراهی او
نسبت بزراعت و مال و حال رعیت ذره بی
و خلاف قاعده منترزده است حتی روز و روز
سپاه و جنب بقدر کفاف برای آنها ممکن نشد
بود با اینکه منزل آنها در نزدیکی خرمن وستان
بوده است و کمال حاجت داشته اند به پرگاه
و خوشه انگوری نتوانسته اند دست دراز
کنند و هر چه لازم داشته اند پول خیزده اند

دیگر از شهر مشهد مقدس نوشته بودند که
امیر استخاد و کمال نظام و انضباط است و از
احدی خلاف قاعده ناشی و صادر نمی شود و اگر
بذرت سرتقی بشود اموال مسروق و از استقام
دیوانیان زود بصاحبش میرسد از جمله در محله
کشمیر یا ضعیفه در سر حاتم اسباب ضعیفه دیگر

سرفت کرده بوده است و اسباب مسروق
شال کشیری و طلا آلات بوده است که جمعا
قریب پنجاه تومان قیمت داشته است و لکن
ضعیفه سارقان خوف اینکه مباد امور دهنده
شود اموال زبوره را نتوانسته بود بفروشد تا اینکه
این روز با ضعیفه صاحب مال سیاهه اموال خود را به
داروغه داده بود که پیدانمای ضعیفه سارقه سیاهه
بدون کم و کمر آورده و جنب سخت داروغه انداخته بود
و داروغه نیز سیاهه و قدر اینها پیشان کرده بود

اصفهان

از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته شده بود غلامان
متوقفین اصفهان در میدان نقش جهان بازی میکردند
غلامی بختباری خالی شد بخبر و بیک نامی خورد است و او
پلاک نموده غلام بختباری از ترس بقم فرار کرده بوده است
عالیجاه چراغ علی خان او را فرستاده از قم آورده اند
با دره مقول بخراسانای شرع آنجا فرستاده چون قتل خطا
بوده است بمصاحف گذشته و جی ارگان قاتل بقره مقول شده

و صلح گذرانده اند
اجبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید
بیستم رمضان المبارک بود درین ولایت مشغول
کردن و کلا از هر شهر و هر لوبک بودند که بیای سخت
و اهل شورخانه از خوانین و کلای رعایا تاریخ سیزدهم
رمضان مرضی شده بودند و بسیکن خبر کرده بودند که ولایت
نازه حاضر باشند که هر وقت پادشاه بخواد در پای تخت

بعد از مدتی که در این شهر بخانه خوانین و دکلمای عا
 پادشاه انگلیس بنا دارد که برود سجزیه گوچک که
 پسروی ملک انگلیس است و در آنجا عمارت بنا
 دارد که بسیار جای باصفاست مدتی کم در آنجا
 و بعد از آنجا مملکت بکالت خواهد رفت که تا آخر
 بلکه تا اول نیز در آنجا وقت نماید سخته خوشی آب جو
 و صفای آنجا و شکار مرال که در آنجا فراوان است

فرانسه

تا رنج کاغذ آخر این مملکت بیت و دویم ماه رمضان
 بود انشای دولت آنجا چند نفر گرفته بوده اند که
 اسباب حرب می ساخته اند معلوم شد
 که جناب افساد داشته اند از اینها سیزده نفر
 در شهر سنت امرفران گرفتند و بعد از آن
 سی و دو نفر نزد سبکرو دولت شدند و میگفتند
 که بعضی از این قشون هم مصلحت اینها بودند لکن
 بعد از تحقیق معلوم شد که قشون کلاً بصفت غیر
 خدمت بدولت می کنند

استریه

سفر امیر اطوار این مملکت باعث شادمانی خلق شده است
 و بهر جا که میرفتند است مردم شادمانی و خوشحالی
 میکردند و موافق خبر آخر که ازین ولایت رسیده است
 داشت بود و چند روز در شهر بوده است

عثمانیه

تاریخ کاغذ آخر که از اسلامبول رسیده است
 سوال است و نوشته اند که در اول سوال این

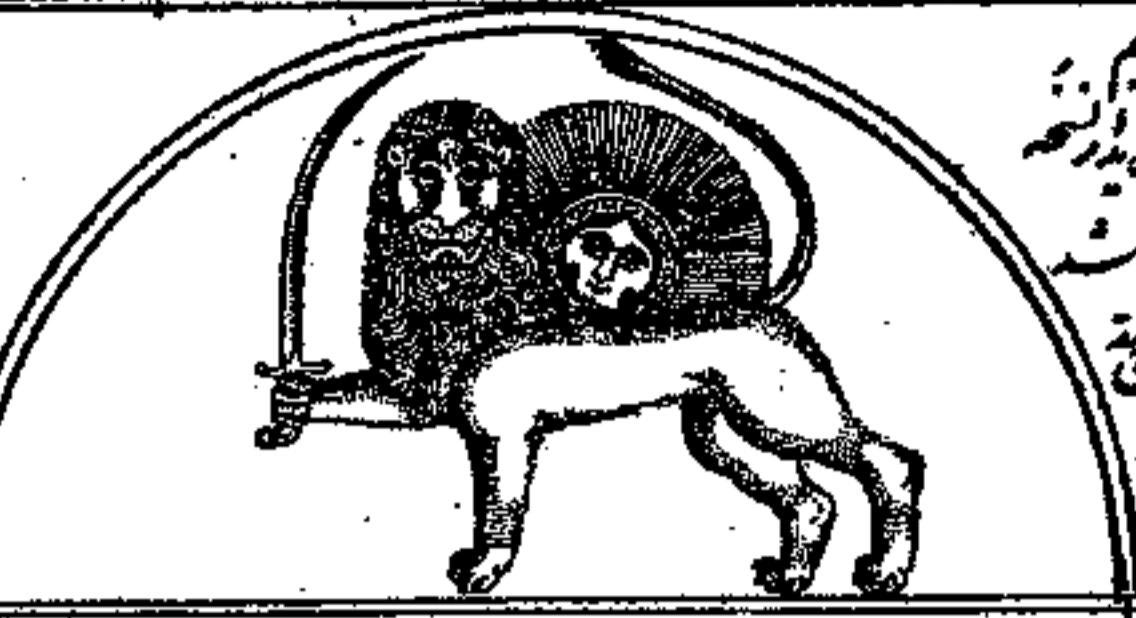
شهر کلاستس کاغذ نوشته بوده اند که طوفانی
 وز آنجا شده بوده است که تا آنوقت هیچکس
 طوفان ندیده بوده است شهر مزبور در کنتار رود
 و فو باست بسیاری از کشتیها در آنجا غرق شده
 و مردم که در میان آنها بوده اند تلف شده اند
 باد بان کشتیها پاره پاره شده و باد چنان
 داشته است که آن باد بانها که باطنایهای کلفت
 به تیرها بسته شده بود همه را باز کرده و پاره نموده است
 در دو فرسخ دور شهر حاصل گندم و جو و ذرت
 بالمره خراب شده و یاد زیر خاک مانده باز شد
 باد ضایع شده است و از هر سبب ضرر زیاد به

انولایت رسیده است
 اعلانات

- کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالحمید
- استاد دارالطباعة این روزها ماها در محله نزدیکی
- در وازه دولاب الطباع شده از این قرار فروخته میشود
- کتاب شانسانه چهار تومان و نیم
- کتاب قاموس دو تومان
- کتاب تاریخ بطرکبیر دو تومان
- کتاب تصحیح پانزده هزار
- کتاب سیوطی پنجاه
- کتاب مجمع البحرین سه تومان
- کتاب تذکره الائمة یک تومان
- کتاب پنجه الزائر یک تومان
- کتاب قوانین دو تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه و شنبه ۱۲۶۰ قمری قعدة الحرام مطابق سال سیچان میل ۱۲۶۰

مبت روزنامه
یکشنبه و شنبه
در تهران و چهارمهر
وقت اعلاجات
یکشنبه و چهارمهر
بیشتر



روزنامه و وقایع
بر سر و طهران
این روزنامه
در بازار جدید در دوکان
نقیر و فروشش
مستحق

اجبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

تی چند بد و در خود کرده بعضی از امرار و الواط و او باش غلام
هوسس ام فریفته که از جلای حاجی سلیمان خان پسر سیدی خان جوهری بود
در خانه این جنایت در دار الخلافه طهران در محله مشهور شمس چمن جمع
بنای شور و سوری گذاشته مقصد کند و آسب وجود مبارک
اطلیح حضرت پادشاهی گاشته و از ده نفر از آنها که او طلب شده
محب کرده بهر یک سلاح حرب اقبیل قه و طپانچه و کار و ادانه
که آن در بیاداران چار و وقت که برآند و دست بند آسب بود
مبارک برسانند و خود نیز با کمال استعداد در خانه سلیمان خان آمده و
بودند که بعضی گذشتن امیر مردن آن بسم او قای نهیست
اجتماع دست ساخت و تازمال و سنگ دیبا سلبین گشاید آن بود که
در روز یکشنبه شب هشتم شهر شوال المکرم در وقتیکه سرکار اعلیحضرت
پادشاهی بجزم شکار سوار شده بودند آن پنجتن متورنه بی محابا بر سر
سواری پادشاهی تا چند طپانچه خالی کردند که از جواز بی از آنها
که ساچود داشت چند و این ساچود قری بدن مبارک پادشاه برآم
خراشیده بود لکن جاگران اقبیل قجه الامرا نظام اسد خان پسر
درباری اخافان سونی الماک و نظام الملک کشیکباشی و سایر اعاظم معارف
و غیره دو نفر از آن متقیان امین را دستگیر کرده و یکی مسم در میان
و

دار الخلافه طهران
در هفتده گذشته چون اصل حقیقت کیفیت کما یجبت و بعضی بطور
و مشهور معلوم و مشهور گردیده بود و مقدمه آن چند نفر جنایت کرده که از
سوینت قصد منکر نیست بوجوه مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی داشتند
بطور اجمال نوشته شده بود تفصیل آن اجمال این است که جمعی از
لاذنب کرده اند پیروی و متابعت علی محمد باب و دو ملعون را
که در سنه ماضیه بهی بغیر ما نزل اند اختراع کرده بود و بسازی عمل کرده
پیشنهاد کرده بودند چون موافق قاعده علوم ادیان و عقل نیستند
ذنب خود را برسانند و اگر آشکار میگردد بطلان آن بطور ضوح معلوم شود
بود چنانکه بعضی از کتب و نوشتهجات و احکام آنها که دست افتاده
مخص کفر و کفر محض بود در کتب و نوشتهجات علمی نمی توانستند
گزار آن خود را که تالی دعوی الوهیت بود آشکار کنند بخیال سلطنت
افتاده که شاید خیرت در اجزای سلطنت نمایند و آشوبی برپا کنند
که بدعوی مذنب باطل خود در مقام تاخت و تاز و ذنب و غارتگری
از دست اندازی بال مردم متشی برگیرند جمعی نیز فرموده اند که من
و قطب آنها که شیخی نام بر سر پیروی بود و نیات با سایر اولاد
خود در اجنت عظیم عقب داشته اند از اصحاب و اتباع آن باب

۴۸۰

از ضرب تیغ و سنگ چوب را بر پیش گرفت از آن دو نفر
 که زنده و سگیر شد معلوم شد که اینها از تابعین باب کتاب علیه السلام
 بوده اند بعد از آن سرکار علی حضرت پادشاهی عزت شکار را موقوف
 داشتند و بر سر اقلیه اولیای دولت قاهره در مقام شکر و شکر
 بقرب انخافان اجودان باشی حاجب الدوله و عالیجایان کلاتر و کلاتر
 شهر حکم شد که رؤسای این قوم را بدست آورند تا اینکه در روز آخر ماه
 مقرب انخافان حاجب الدوله و فرزان شاهی در کمال معولیت حضور
 مجمع و مکن آنها حاصل نمودند که همگی در خانه حاجی سلیمان خان برودند
 اجماعی دارند که خدای تعالی را با جمعی اخبار کرده بر سر آنجا فرستادند
 و وارده نفر از آن امر را در آنجا سگیر شده مابقی از راهها و جاهای
 فرار کردند بعد از آنکه این دو وارده نفر گرفتار شدند و ساسی سایر فرزان
 از آنها معلوم و یو مایه و مقرب انخافان اجودان با کلاتر با فرزان
 روزی سه و چهار و پنج نفر گرفته آوردند و هر کدام را که آوردند و کلمات
 دولت علیه مخصوصه در مجمع عام آنها را حاضر ساخته از قضای ساسان
 هم حاضر ساختند و تقصیر از اعلی روس الا شهادت لکل و الا شهادت
 خدمت نمایی که از مقرب انخافان حاجب الدوله نسبت بین و دولت
 بدست آوردن کلا شجعی مروز بود که همیشه مخفی بود و خود را با حرم
 و حاجب الدوله فرستاد بعد از آنکه از شهر فرار کرده یکی از دانات
 آمده بود با چند نفر از اصحابش که همراه او بودند و سگیر کرده آوردند
 جناب جلالت آتیب صد اعظم برای تحقیق و تقصیر شمله او را حاضر
 و اصحاب او را که سابقا و لاحقاً سگیر شده بودند حاضر ساختند
 در همان مجلس علی روس الا شهادت معلوم نمودند که اصل محرک و بانی این
 عمل شنیع آن ملعون بوده است از جمله معلوم شد محمد صادق نامی که در
 روز اول خود را با سب سواری کالیون پادشاهی رسانید و طلب
 از آن نوع جبارتها را ظاهر ساخت و خود این ملعون بوده و با

و اسلحه حرب را خود آن شیعی را داده بود آنچه ازین طایفه ضالده شعی گرفتار شدند
 سی و دو نفر بودند مابقی معلوم نشد اگر هم فی الواقع فرقی داشته اند از
 بروز نیافتی تحمل بولایات بعد از وی و شوری شده با از جوی کلا
 میرزا حسینعلی نائوری در زنگنه که جناب جلالت آتیب وزیر مختار دولت
 بیهره رسیدند و دند فرار کرده بود جناب معتمدین و بعضی دیگر ازین
 قوم ضلالت آنها است شرایط اتحاد دولتین را معنی و منظور داشته
 کمال معولیت فی القویة عن نموده اتباع سفارت او را گرفته نزد
 دولت علیه فرستادند و سرکار علی حضرت پادشاهی و اولیای دولت
 از ظهور این نوع معولیت ایشان کمال رضامندی حاصل کرد جناب جلالت
 صد اعظم فرستادگان ایشان انعام دادند و نظر اینکه گذشته از بطلان
 و دعوی طعن حسرتی پیش گرفته که خسارت عموم ماس از سنگ دان
 و نهب هم و سایر نهبیات و منکرات از آن حاصل می شد کاف مردم از
 قلما و فضلا و چاکران در بار سپهر مار و در عایا و برایا و ضعیف و غیر
 و برنا و پیر خاص و عام قتل این معتمدین ضلالت میسر را واجب دانستند
 شش نفر از آنها را که این اشخاص بودند میرزا حسین قلی که بی تقصیر نبود
 بعضی سوال جواب او را نگاه داشتند و میرزا حسینعلی نوری و میرزا
 میرزا محمود شیر زاده او و آقا عبد الله سپهر آقا محمد جعفر و میرزا جواد
 خراسانی چون تحقیق معلوم شد که با آنها درین مفاسد و شوری شرکت
 داشته باشند لهذا علی حضرت پادشاهی حکم بجس آنها فرمودند که در
 حبس موقت و محله بانند و بقیه آنها را علما و فضلا و چاکران در بار پادشاهی
 عموا و جمیع اهل شهر از تجار و اصناف و کسبه در میان خود تقسیم کرده هر یکی
 یکفرقه از صنوف نوکر یا رعیت از اینقرار بسزای خودشان رسانیدند
 اما شجعی را که در رس و بیس این فرقه ضالده بود و خود را نایب خاص باب
 میدانست و خود را حضرت عظیم ملقب ساخته و قمار و صدر و بانی و با
 این شمشه غلیظه بود علما و فضلا بر حسب حکم شریعت ظاهر قتل او را واجب دانستند

۲

۴۸۶

سید حسن مزارساز که از اشرار و متابعین آن مذهب بود شایسته و کار و
 بضر بکشید و کلود و کار و و خیر مقبول ساختند
 ملازمین العابدین بزدی را مقرب انخافان ستونی الما لک در اول محسن
 دین و حجت دولت خود با طبا پنجه زده بعد از آن توفیق عظام و بکری
 کرام کلام با طبا پنجه و کار و و خیر و فیه ریزه ریزه کردند
 ملا حسین مزارساز نیز مقرب انخافان میرزا کاظم خان نظام الملک
 سعیدان دیر همام خارج اول نظام الملک خود با طبا پنجه زد و بعد از آن
 دیگر میرزا سعیدان زد و بعد از آن تبع هر دو سنگ فرود کار و و خیر بگری
 میرزا عبد الوهاب شیرازی مشهور کاتبی که در کابلین بود و عیوی بنی بنی
 عظیمی را کرده بود اتفاقاً در ماساعت که او را آوردند یکی از علمای مومنین معتقد
 انخافان بود و شهادت داد که در کابلین شبها او را دعوت کردم و پذیرفته
 لاطایله نام بر او طبا گفت و از چند دوازده نفر اشخاصی بود که بنیاد آن
 مرتب حساب است نه عالیجان جعفر قلجان برادر جناب صاحب نظام و در
 موسی خان و میرزا علیخان سپهران جناب معزی الیه و در فسون بنی اعمام
 و جمعی علمای تفکد اران و علان ایشان بضر بکلود تفکد و طبا پنجه و خیر
 فیه و شیر ریزه ریزه کرده بدار ایوان فرستادند
 ملا فتح الدقی ولد ملا علی صحاف که در روز اول چند از چپ طبا پنجه او قدری
 بدین مبارک خاطر شنید بود و در دوی مایون بدن او را شمع زده روشن
 و مقرب انخافان حاجیه الهه که طبا پنجه با ساجر به انخافان که او سرکار علیحضرت پادشاهی
 انداخته بود و درونی انوار افاد و بر عطف اشخاصه باقیه پارچه پارچه بسنگ باران
 شیخ عباس طهرانی را خواندین و او را با طبا پنجه بضر بکشید و در ستاد
 مجد و نجف آبادی که از بزرگان روزگار بود و خوار و ادعان داشت که در هیچ محایب طبا
 ضلایله بوده است ایشان حضور طایون و بیع غلظت با کلا و خیر مقبول ساختند
 محقق شیرازی مقرب انخافان اسد الدین میرزا خواجه پادشاهی و بر عطف حاجت صلیب
 اول نعل نموده بعد با تهاق و بیخ طویل آهن و فیه و خیر بسیار انش رسانید

میرزا محمد باقر مقرب انخافان ایک امامی پاریسی و شیخ اشرفی و نمایان در
 و سایر علقه حضور در بنیاد آن بضر بکشید و شیرین و شیرین و شیرین و شیرین
 میرزا محمد شیرازی را که در حبس بود و در بنیاد آن بضر بکشید و شیرین و شیرین
 در خم پاز انخافان است بعد از آن فکاو و مقرب انخافان کسکه است و بنیاد ایشان در
 علانان سرکاری و فیه کلا و تفکد ساخته بر باران کرده بعد از آن بسنگ و طبا
 محمد علی نجف آبادی را اول خواجه پنجم او را که در بنیاد آن بضر بکشید و شیرین و شیرین
 حاجی سلطان خان شیرازی را که تفصیل او در فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 و شیخ بی بی بود اما حسن فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 و اهل طرب و از در حاکم در کوچ بازار را که در فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 کادر بیرون در دیواره برده است این غصبت آنها را چهار چرخه چهار درون
 حسین بزدی را مقرب انخافان چون او در بنیاد آن بضر بکشید و شیرین و شیرین
 آقا محمد کاشی را که از جمله آن دوازده نفر است و در فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 صادق بخانی نوکر کلا شیخی که در روز اول بضر بکشید و فیه و فیه و فیه و فیه
 میرزا بی دما و شیخ کن طهرانی امامی در القون بضر بکشید و شیرین و شیرین
 میرزا رفیع نوری را سوار نظام با طبا پنجه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 میرزا محمود و قزوینی را بعد از آن که بنیاد آن بضر بکشید و فیه و فیه و فیه و فیه
 حسین بیانی را که از نوای اسکوت است و ان طبا و در البلق امام حاکم با عید کلا بضر بکشید
 بود و میرزا ان افواج نیز پیش کرده با نیز جدید غیب او را پنجه و او را مشک و فیه
 ملا عبد الکریم قزوینی را چون حاضر کلا بضر بکشید و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 لطفعلی شیرازی را که شاطرا و سلطان کاری با پنجه و فیه و فیه و فیه و فیه و فیه
 شیخ خسته را امامی شهر با اجماع کرده با و چوب و کلا و خیر و فیه و فیه و فیه و فیه
 حاجی میرزا جانی ماجر کاشی را که بکرات از او معلوم توبه کرده و باز از امامی فیه و فیه
 عوام سبورت نموده فیه آقا محمد ملک رو جاب و با ابع بر بنیاد آن بضر بکشید و فیه
 حسن خنده را مقرب انخافان نصر الله خان در علقه کارخانه مبارک قتل رسانیدند
 مجد قزوینی را آقایان قاجار طعمه شیر ابدار نموده بدین فیه و فیه

۴

۴

۴

سایر روایات

مازندران

از قرار یک در روزنامه مازندران نوشته شده بود

از انعامات اولیای دولت قاهره و حسن برقت

نواب شاهزاده والای مصطفی قلی میرزا حکمران

امرا اتجاد کمال نظم و انضباط است و بعد از

مردود صحت وجود مسعود علی حضرت شامشای

معزی الیه و مالی آن ولایت عمومات شکرانه این

نعت عظمی و بشارت کبری بساط عشرت و

انضباط بنسب داشته جشن و شادمانی نمودند

و نواب معزی الیه حکم کردند که سه شبانه روز

شهر و بازار را این بسته چراغان نمایند مردم

از روی کمال شوق و رغبت بهینه اسباب

شادمانی و آتش بازی و چراغانی مشغول شده

و قواعد انبساط عشرت معمول داشته و

چند نفر از محبوبین را که تقصیر کلی داشته

بشکرانه صحت و سلامت وجود فایض وجود

از مجلس مرخص نمودند

و همچنین از قرار یک نوشته بودند این روزنامه

شاهزاده مصطفی قلی میرزا سان نوکر سواره

مازندران را دیده و بنوکر پیا دهم اخبار کرد

که شهرسازی آید سان بدست چون آمد

تا نامی در نوکر طایفه سواره داند بود که بعد از

از سفر کرگان اسب اکثر آنها اسقاط و تلف شده

الترام از جمیع سرگردگان گرفتند که در روز

ماه ذی قعدة احرام در صحرای سمرقند کلا نوکر را

با تفک و یراق و اسب و لباس خوب حاضر

نمایند که هر کس اسب نداشته و موجد و اگر

داغ نبود

و یک روز قرار یک نوشته بودند اسال از ولایت

مازندران قریب بده هزار نفر زوار زیارت

مقدس رفته اند و این روزها کلی وارد

شهر کرده اند

ملا یروز و نویسندگان

از قرار یک در روزنامه ملا یروز و نویسندگان

نوشته بودند در روز غزوة شهر سوال المکریم

ربع ساعت بغروب آفتاب مانده از طرف

مغرب کو کبی آتش آسار روی هوا ظاهر

همچنانکه بسج مالی نویسندگان او را ملاحظه نمودند

و بعد بروی هوا کشیده شده تا بوسط آسمان

و همان لحظه منشق گردید که کو با پنج شش

می آمد پس از آن صدائی مشابه صدای ده

توپ از سمت جنوب بکوشش عموم مالی آن

صفحات آمد که اکثری علامات زلزله پنداشتند

شدند و قریب پنج دقیقه آن صدای مهیب بطول انجامید

و در شب دو تیم ماه مزبور تخمینا پنج ساعت از شب

زلزله شدیدی در نویسندگان واقع شده

که اکثر مردم آنجا از خواب بیدار شده اند و بعد

یک ساعت بطول آفتاب مانده نیز زلزله شده و

چندان شدتی نداشته است و از تفصیلات

حد و ندی ضرر و آسیبهای ندی رسیده

۴۸۳

اخبار دول خارج

درین روزنامه از فرانسه و انگلستان بمباشرین روزنامه
رسیده و لیکن از همان تاریخها بود که در وقت گذشت
نوشته شده است از مملکت استریتیه نوشتنیست
که امپراطور این ولایت باز در سپاحت و
بود و هنوز سپای تحت وینه مراجعت کرده بود
و در اوقات توقف امپراطور در شهر بود کشتی
سجاری که بجهت رود دوتوب ساخته بودند بایست

میخواستند ولایت سیوس برود و از آنرا که حال آن
ولایت فرانسه اخراج شده است و دولت سیوس
نیز با دولت فرانسه در باب بیرون کردن فرانسها
عهدنامه دارند در مملکت سیوس گفتگونی شده است
که آیا موسیو طیرز را نیز مانند سایر فرانسهای فرانسه
ازین ولایت باید بیرون نمود یا نه اکثر اهل آن
گفته اند که چنین چیزی نسبت با دم محترم و بزرگ
خلافت قاعده غریب دوستی و همان داراست

از مملکت اسپانیول نوشته اند که چون فرانسها
زیاد از فرانسه با ولایت می آیند اهل آنجا تیش
کردند که مباد از آمدن این اشخاص بی نظمی و انضام
در امر خود آن مملکت روی به بد حکم داده اند که این
فرانسها بیاید در جای معینی که نزدیک رودخانه
آبرومیس باشد توقف نمایند و از آنجا بجا و بختند

در مملکت فرانسه گفتگونی بوده است که قشون را
بلکه کم نمایند بسبب اینکه اخراجات زیاد در آنجا
بجهت نگاه داشتن اینقدر قشون رکابی که حال است
دارند اما بعد از بحث و گفتگوی زیاد دکان بنود که
توانند بطوریکه بنیاد استند قشون را کم نمایند
ولا بدستند که حالانامه تی بهمان قرار است نگاه

بدارند و کم نکنند

از ولایت انگلیس نوشته اند که از طوریکه معلوم
دقتیکه دکلای رعایا از هر بلوک و شهر این ولایت
جمع شوند اغلب مصلحت و زرای پادشاه
خواهند بود اگر چه تا وقتی که دکلای رعایا جمعین و برقرار
و در شورتخانه حاضر نشوند این مطلب درست معلوم
اما ظاهر آنکه اکثر آنها با وزیر متفق باشند و مخالفی
بامنداشته باشند

فیما بین شهر استریتیه و پاریس با پی سخت
فرانسه و بعضی شهرهای دیگر فرانسه را
این بجهت نزد کال که بخار ساخته و با تمام
رسانده بودند و میخواستند بجهت آمد و کشوردم
باز نمایند و کالسکهارا برابند از بند و بجهت
افتتاح راههای مزبور لوی ناپلیانرا مهابالی فرستادند
کرده بودند و کالان داشتند که اسباب

موسیو طیرز که در ایام لوی فیلیپ پادشاه سابق
فرانسه یکی از وزرای محترم آن ولایت بود درین روزنامه

و اوضاع تمام و تدارک سنگین بجهت ضیافت
زیس مزبور در آنجا فراهم یابد

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانس در آنجا چاپ میزند و ژورنال ده کانتینتینول میباشند نوشته اند که حکم از جانب دیوان در روزنامه الطباع که بعد ازین پنجکس اشاع پول از قرار هر سال صد تومان دوازده تومان بیشتر گیرد و فراین بهین مضمون کل عثمانیه و ستاده اند فتره دیگر نیز در آن فراین حکم شده است که هر حجت و تمسک که نوشته شود باید در دیوان ثبت شود و قرار اشاع همان باشد کرد در اموال ایتام و زنان بیوه و تنخواه موقوفات که درین پولها از دیوان مأذونند از قرار هر صد تومان در یکسال نوزده تومان اشاع بگیرند و این حکم از وقتی که صادر شده است مجری است معاملاتی که در سابق شده باشد داخل این حکم نیست

هم در آن روزنامه نوشته اند که در سال گذشته پنج زیاد چون نسبت بر دست آمده بود در فصل چهار سال سلیمان پاشا حاکم انولایت در گرفتن و اطلاق پنج و تخم پنج و بچه آن که نوز پر و از نیامده باشد کل ایالتی انولایت را حکم کرد که جمع شوند و نوشته بود که چون تا یکماه و چهل روز از عید نوز که گذشته است هوادر مملکت اناطولی سرد و بارندگی زیاد بود پنج و بار تخم بیرون آمده است و قستی که این پنج را این است که در روز گذشته جمیع کل دانات و اطراف خبر میکنند و پنج را که نوز درست پرواز نیامده است با نوز نالی که مانند نوز مرغ کبری و دمای کبری ساخته

میگیرند و اگر نوز نداشتند با سینه پارچه کربا مانند بخیر جا در بر پانمی کنند و بیه شانه درختها که مثل جار و بها در دست دارند لجنار امی را میسند و نیز آن پرده جمع کرد و یکبار سال این آنجا از پنج خواست چنان متضرر شدند که در بسیاری از روستاها کاشتم سبزه امسال مقدورشان نشد و لکن حاصل بیشکی شهر و در خود شهر بر دست امسال خوب بعل آمده است و امید داشتند که پیش از آنکه پنج بجای برسد حاصل برداشته بشود و از شهر بروند و شهر ادینه نوشته اند که کمان داشتند که حاصل ابریشم امسال در آنجا فراوان و خوب بعل آمده باشد

مصطفی بیگ سپهرا بر ابراهیم پاشا پاشای بق که مدتی در اسلامبول بود بکشتی بخار دولتی که طیر البحر نام داشت بقاهره پای تحت مصر روانه شد

شهرت فور و کتینگ که مدتی در اسلامبول ایچی کبیر از جانب پادشاه انگلیس بود در این روزها داخل خوانین انگلیس شده است بقب لاری شهرت فور و ده رید کلف و درین شهرت ماه رمضان با صاحبان سفارستانه و بعضی از صاحبان سفارستانه که در اسلامبول بودند بحضور سلطان شرفیاب شد که مدتی حاصل نموده بولایت انگلیس حاجت کنند یکبار بعد از ظهر بحضور سلطان شرف شده و سلطان

نسبت باد کمال مهربانی و التفات و احترام فرمود
 بود و بعد از آنکه با صاحب منصبان اذن مریخی
 حاصل نموده بود سلطان مشاغل را بخلوت
 خواسته و بیشتر از یک ساعت مشغول فرمایشات
 بوده اند و در سبت و نهم ماه مزبور بیدار و در
 سلطان فته بود که با آنها وداع نمود مقصد
 روانه شود و در روز دوشنبه عزمه شوال کشتی
 بخار و ولتی انجلس را که در آنجا بود سوار شده
 بولایت انجلس روانه شد و قولی را سس را
 بجای خود نایب گذاشت بقب و منصب شاری
 و فیروز و از آن راه که ایلمچی کبیر و رمدت اقامت در
 اسلامبول کمال خوش سلوکی و حسن رفتار
 و مهربانی را با کل اهل آنجا ملوک داشته بود
 از رفتن او بولایت انجلس مردم آنجا خاصه اهل آنجا
 از هر طایفه که در آنجا اقامت داشتند بسیار
 متأسف بودند بسبب اینکه دایم الاوقات حکایت
 تمام از آنها کرده بود
 درین روز نامه نوشتند که بک ما بحاج عهده
 در میان خلق نان است که قوت غالب است
 و هر کس بتواند در میان مردم ناز افراوان و
 ارزان نماید کار بزرگی کرده است سابقا در
 بجهت کم بودن آسیاب مردم تنگی می کشیدند آسیاب
 آبی کم داشتند و قدری هم آسیاب بادی
 داشتند در تابستانها اغلب اوقات آسیاب آبی
 آبی بجهت کمی آب کار نمیکردند و گاهی هم بجهت نیابدن

باد آسیابهای بادی نیز میخواهند و مردم زیاد
 بعسرت می افتادند و قدری هم آسیاب
 چرخ که با اسب حرکت میدهند دارند اگر چه از
 این چرخها بسیار است اما زورش کم است
 و اخراجاتشان بسیار درین روزها بجهت تسهیل
 این کار در دولتها آسیابها از چرخ بخار برآه
 انداخته اند و چونکه این آسیابها که از چرخ بخار
 بزرگ اند و زورش بسیار است هم کمندم را
 ز متر آرد می کنند و هم زود تر و زیاد تر و بجهت
 مردم ارزانتر تمام می شود ازین آسیاب که با چرخ
 بخار میگردند در از متیر که اصمیر نر می نویسند ساخته
 که روزی صد خردم را آرد می کند و چرخ بخار
 که بسنکهای اسب حرکت میدهد روز پنجاه اسب
 دارد و چهارده سنک اسب را حرکت میدهد
 یک اخراجات زیاد که این آسیاب چرخ بخار لازم
 داشت این بود که آب بجهت دیک چرخ بخار لازم بود
 و چون آب کم بود مخارج آوردن آن زیاد می شد
 حالا آب دریا بصرف آورده اند و ذغال سنگی
 نیز در سوختن کمتر صرف می شود این آسیابها خوب
 راه میرود و منفعت زیاد هم می کنند و پیشتر
 خواهد شد
 بتاریخ ۲۱ شعبان کشتیهای جنگی سلطان از
 لنگرگاه اسلامبول بیرون رفتند و در دریای نزدیک
 دروازه قوم قاپوسی که نزدیک بعمار سلطان است
 لنگر انداختند و بناست که این کشتیها بسبب دریای

یونان برودند و میگویند که قدری از این کشتیها و قشون
سجری سبت شامات نیز خواستند و دستا

و مهارت او معلوم باشد و این کاغذ باطل دول
خارج از آنجست نوشته شد که رعایای آنها نیز

در اطراف اسلامبول بسیار کشتیهای بخار کوچک
دارند که مردی که خانهاشان در و انت و قصبهای

این حکم را ملاحظه کرده از انقار رفقار نامید و اگر
کسی بی تصدیق اطباء و حاذق و اذن دیوان دوائی

اطرافت هر روز کشتیها سوار شد صبح میان
شهری آیند و عصر بخانهای خود مراجعت میکنند

دو و افروشی بکنند مورد مواخذه خواهد شد
سامی پاشا که سابقا حاکم طرابزان بود از حکومت

حالا این کشتیها زیاد شده اند گاهی اتفاق می افتد
که در تن راه رفتن بیکدیگر میخورند و درین روزها یکی از

و نظریف مصطفی پاشا را نیز که سابقا حاکم و دین
بود از آنجا برداشته و با امر حکومت ارزنه الروم

آن کشتیها نزدیک بوده است که غرق بشود و آنجا
قرار گذاشته اند که هر یک از لنگرگاه و سکوی کتا

کرد و اند
قابل افندی از جانب سلطان منصب المچی گری
دو وزیر مختاری روانه مملکت یونان شده و در

در یاد و قتی میشن روانه شوند که وقت عبور آنها
معلوم باشد و بیکدیگر میخورند و درین روزها کشتی

شازدم شعبان مسرا صاحب منصبان
متعلق بخود از اسلامبول بیرون رفته روانه

دیگر از ولایت انجلس با اسلامبول آورده اند
که آنها را نیز بجهت نزد دوریایای اطراف اسلامبول

شده اند
اعلانات

فستاده اند
بتاریخ ۲۳ شعبان وزیر دول خارجه دول عثمانیه

کتابهای چاپی که در طهران در کارخانه حاجی عبدالمحمد
استاد دارالطبایع این روزها مبادی محکمه نزدیک

نوشته است که مضمونش این است که بسیاری
مردم در اسلامبول هستند که شغل آنها و اناساز

چهار تومان و نیم
معراج السعاده دوازده هزار

و حال اینکه سر رشته درست از دو اندازند و بعضی
اوقات از نادانی و عدم وقوف اینها ضرر زیاد

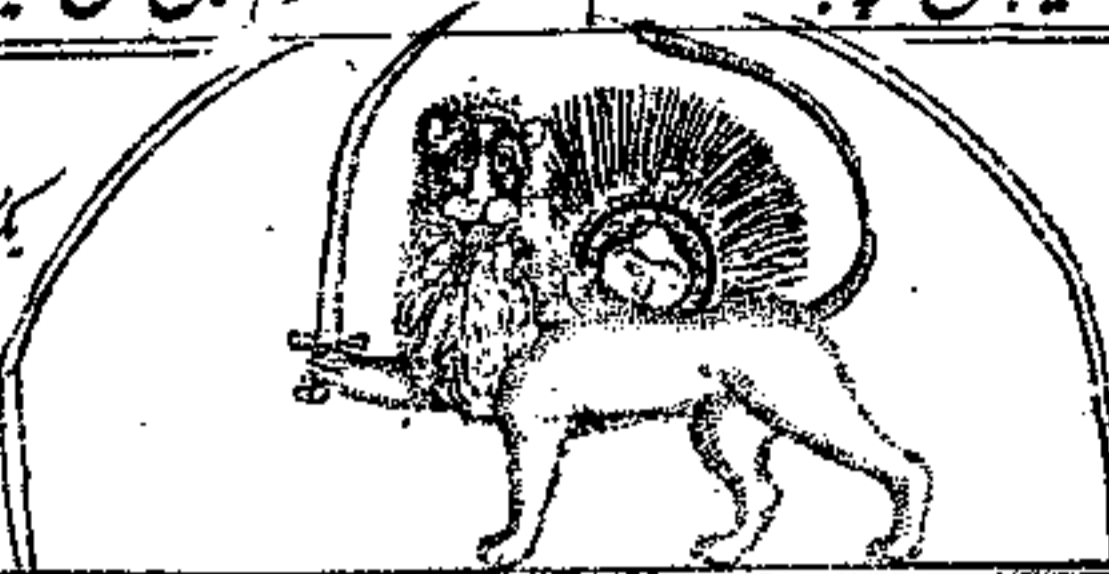
خمس نظامی نه هزار
جوهری شش هزار

بردم میرسد باین سبب کسری که میخواهد اجازت
شغل و اساساری پیش بگیرد باید نیز و اطباء برود و

مسالک شش تومان
مدارک سه تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پنجشنبه پنجم ماه ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۶۸

قیمت روزنامه
یک نسخه یک ماهه یک ریال
قیمت اعلانات
مستطوره سطر یک ریال
مستطوره سطر پنج ریال



نزهتستان و سیم
هر کس در طهران خریدار
این روزنامه باشد در هر بار
در دو کانسلیت سطر یک
فروخت می شود

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از قراریکه در روزنامه و در ضمن خبرات ولایات ممالک
محروسه پادشاهی نوشته اند بعد از آنکه مرد و صحت
وجود سعود اعلیحضرت پادشاهی بر یک از حکام ولایات
ابلاغ شده بود حاکم آن ولایت و امالی آنجا از روی
کمال شوق و رغبت بشکری صحت وجود قاضی آنجا
قواعد شادمانی و انبساط معمول داشته شهریاران
بسته و چراغان کرده اند و بفقرا و مساکین صدق داده
و هر یک بشکریه این بشارت عظمی و شگفتی هم برای تصدق
سعود شاهی به بارها یون انقاد و انشده و حکم
که بفقرا و مساکین بزل شود ولایاتی که از آنها خبر رسیده
از این قرار است

صحت وجود سعود اعلیحضرت پادشاهی نایب الحکومه
عراق و امالی آنجا بساط عیش و انبساط و انبساط
قواعد شکر گذاری و شادمانی معمول شده بود
اصفهان از قراریکه نوشته بودند بعد از وصول مرده صحت
و سلامت وجود قاضی آنجا و سلطان عالیجاه چرخ غیبی
یکصد تومان برسم تصدق بفقرا و مساکین داده و یک طایفه
شال دو وجه نقدی هم بچاپار مردگانی داده و بعد از آن
بشکریه صحت وجود مایون با عدم امالی آنجا بخواه عیش و نشاط
و شادمانی مشغول شده بود

قره نین از قراریکه نوشته بودند بعد از وصول مرده
صحت و سلامت وجود اعلیحضرت شاهی امیر الامرا
مقرب الخاقان خسرو خان والی قدغن کرده که در کوه و
بازار جا کشیده این بشارت عظمی را گوشزد خاص عام
نمائند که کسی با سجاده خلافت نگذارد و امالی قره نین بکلی
ششیدن مرده صحت وجود مایون از روی کمال شوق
و نشاط شادمانی و انبساط شده

قره نین از قراریکه نوشته بودند بعد از آنکه مرده صحت و سلامت
وجود مایون اعلیحضرت شاهی آنجا رسید بود امالی آنجا
از روی کمال میل و شغف صد تومان بکمال بزرگی داده قواعد
عیش و عشرت معمول داشته بودند

کاشان از قراریکه نوشته بودند بعد از وصول بشارت صحت

ایستاد
۱۷

سلامت وجود اعلیحضرت پادشاهی حاکم و امالی کاشان
همگی مشوق و شادمان شده و قواعدهش عیش و عشرت
معمول داشته تقدیم مراسم شکرگزاری مشغول
شدند

ختم از قراریکه نوشته شده بود بعد از آنکه مرده صحت
و سلامت وجود مسعود پادشاهی بقرب انخاقان میرزا
حاکم خراسان رسید بود این بشارت عظمی را بمجموع امالی
ختم ابلاغ کرده قواعدهش عیش و عشرت و انبساط استیصال
داشته بود و امالی انجا از روی کمال شوق و اشتیاق تقدیم
مراسم شکرگزاری و شادمانی دسترس مشغول شده

بعد آن از قراریکه نوشته بودند بعد از وصول مرده صحت
سلامت وجود مسعود اعلیحضرت شاهنشاهی نواب شاهزاده
سیف الدین میرزا این بشارت عظمی را بمجموع امالی آن میرزا
رسانده تقدیم مراسم شادمانی و عیش و عشرت و چراغانی
مشغول شده و در ولایت تومان هم برای تصدق و بخل
بقدر انقاد در بارها یون داشته بود

از دریا بجان از قراریکه نوشته بودند بعد از آنکه مرده صحت
و سلامت وجود مسعود سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بنواب
ستاب شاهزاده و امالی شادمانه الدوله صاحب اختیار
مملکت آذربایجان و بقرب انخاقان میرزا فضل الدوله وزیر
نظام رسید بود اظهار مراسم شکرگزاری و شادمانی
کرده قدغن نموده بودند که بشکرانه سلامت وجود هایلون
شهر این سبب چراغان نمایند و امالی آن مملکت هم از
و شریف قواعدهش عیش و عشرت و امالی مشغول شده بود

از امور عجمیه یکی این است که مان روزی این خبر است از چند
نقرا از ظالمانه خاله بابیه باقتضای معاشرت ذاتی و جناب
ظرفی ظاهر شد فی القریح جاپار بهر یک از ولایات ممالک
محمود پادشاهی نامور در وانه که وقوع این کیفیت و صحت
و سلامت وجود اعلیحضرت شاهنشاهی را بحاکم و امالی انجا
ابلاغ کند ولی از قراریکه از هر یک از ولایات نوشته بودند
دو ساعت پیش از آنکه جاپار دیوانی وارد شود این خبر
باخبار رسید بود بعد از آنکه جاپار وارد شد کیفیت را بیان
واقع ابلاغ کرده بود اضطراب و تشویشی که برای مردم گزاشته
این خبر حاصل بوده شرح است

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی چون بدانند وقوع این مقدمه بابیه
بسواری جاتی تشریف فرما شده بودند و باغ داوودیه هم
با صفا و فرح افزا شده است طبع مبارک مایل تفریح
انجام شده در روز جمعه تشریف فرمای باغ داوودیه شدند
و در آنجا عصرانه و شبیری میل فرموده قریب لغز و معان و وقت
فرمودند

در صبح روز جمعه حسب الامر سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی نواب شاهزاده
شرف و الاسطان بهین الدین میرزا ولیعهد دولت جاوید مد
بیدن جناب جلالت تائب صدر اعظم تشریف آوردند
و جناب منظم الیه لوازم احترام را از استقبال و قربانی
و شیرینی و پیشکش و سایر ملزومات و تکلفات بجا آوردند
در روز سه شنبه پانزدهم جناب جلالت تائب صدر
بیدن جنابان جلالت تائبان و وزرای مختار و سینه سینه
دروس تشریف بردند جناب وزیر مختار دولت سینه سینه را

دیدن فرودخواستند بیدن جناب وزیر مختار و
بیدروس برود چون جناب مغربی الیه ناخوش
بستری بودند و خلافت قاعده بود بجزرت و عذر
فرستادند و انانجا جناب صدر اعظم بیاغ و او
رفته تا غروب در آنجا بودند و وقت شام اجنبی

جناب جلالتاب سفیر کبیر دولت علیّه عثمانی در روز
سه شنبه پانزدهم وارد دارالخلافه طهران شده
ولیکن چون موکب بایون اعلیحضرت پادشاهی در
نیادوران تشریف داشتند جناب مغربی لب
بشهر وارد شده در باغ بیرون شهر که بیاغ ایجالی
مشهور بود و حسب الامر الاقدس پشت بهشت سوم
شده منزل نمودند امیرالاعظم سپهبدار و عالیجاه
محمد ابراهیم خان سرینک نوری و دو خوشین خان
و اسدخان از پوزباشیان پادشاهی با جمعی دیگر
از غلام و غلام پیچمت و سایر چاکران در باغ
باستقبال رفته لوازم احترام و استقبال را بطوریکه
معمول است تکریم دوستی و ولایت علیتین بوجهل
آوردند

چون هوای شهر دارالخلافه طهران این اوقات کمال
اعتدال و خوبی را بهم رسانده است موکب فیروزی
موکب بایون اعلیحضرت پادشاهی در روز جمعه
نجاعت از روز گذشته بشاه الله سلامت شکوه
به دارالخلافه طهران تشریف فرما خواهند شد و در شهر
خواهند فرمود

اشخاصی که در این مقدمه در روز یکشنبه بیستم
شوال در رکاب بایون خدمت کردند و اسامی آنها
بتفصیل در آن روزنامه نوشته شده بود از جمله
امیرالاعظم مقرب الخاقان محمد ناصر خان و
در رکاب مبارک حاضر بود با اینک حریره و اسلحه جنگ
نداشت باز با نداشتن حربه با همان چوب دست و تان
جان شادی خود را زیادتر از اشخاصی که حربه و اسلحه
ظاهر ساخت که سمت اوز یا ده از حد مقبول نظر
پادشاهی گردید

مقرب الخاقان میرزا احمد خان ناظم دیوان که حسب
اعلیحضرت پادشاهی بهرات رفته بود در اجنبی
در رفته که شسته شرفیاب حضور بایون شد و نظر
خدمات او که درین سفر بطور رسیده بود کمال
و انظار عاطفت طوکانه در حق او فرمود
درین روز ناظر باشکی جناب میرزا که چک نایب الصد
حقه منصب صدارت حتمه را که بعد از مرحوم قاسم
شارالیه تحویل بود بعد از خود شارالیه درین اوقات
قرار فرمان مبارک مغرض و مرجوع استری که در حق مرحوم
برقرار بود در حق شارالیه حتمه فرمود

ناظر باشکی عالیجاه میرزا علی محمد خان درین اوقات
امنای دولت قاهره حسب الاشارة العلیّه از قرار حکم
نظامی منصب پوزباشکی غلامان نوری و شیرازی
عالیجاه میرزا عبد الله خان را بعد از او مغرض و مرجوع
این منصب بای و سر او پیش فرمود
سایر ولایات

کتابخانه

گزینان

از قرار یک در روزنامه گزینان نوشته شده بود از آنها
 اولیای دولت قاهره امر آنجا با کمال نظم و انضباط
 و نواب شایسته اما متعلق میرزا حکمران گزینان بجای
 سرنگ قدغن کرده اند که هر شبی سصد نفر سربازینها و نوری
 بکار که دست بسته کشک شهر کشیده مشغول حفظ
 و حرارت مال و حال مردم باشند و اگر زودی اتفاق
 خود آن سربازان که مستحق شهرستند قرار داده شده
 که از عهد بر ایندین ملاحظه کمال اتمام در کشک و محافظت
 سرف و غیره می شود

از قرار یک نوشته بودند عالیجا میرزا ابراهیم خان کار
 دولت علیه ایران معین بود که از دربار جاپون مرخص و روان
 مقصد بود در روز و در مشاوره بگزینان نواب
 شاهزاده امامعلی میرزا جمعی از اعیان و اشراف آن ولایت را
 با استقبال او فرستاده اند و بعد از چند روز توقف در آنجا
 کرده اند و از سلامت بقعه او شده است نواب معزنی آیه پنجاه نفر
 سواره سنجایی مکمل شده همراه او روانه نموده اند که از گزینان
 الی بعد از با او باشند و بعد از وصول مشاوره بقیه نواب
 گزینان

عراق

از قرار یک در روزنامه عراق نوشته بودند در کرده
 که در سنه سابقه حسلی خوف بود و عابری از آنجا بسیار
 تشویش و احتیاط داشتند این اوقات قرار داده اند که
 علی الدوام در آنجا مستحفظ باشند که عابری و سرودین
 اسوده قاطروبی تشویش آمد و رفت نمایند از قرار یک نوشته
 بودند از وقتی که تفکیک مستحفظ در آنجا برقرار شده است با کمال

سبب مال و حال اصدی از نمرودین ضرر و آسیب رسیده
 و تفکیکشان مشغول حفظ و حر استند

دیگر نوشته بودند که جمعی از رعایای آنجا که از سوسلوگ حکام
 متصرف شده بودند درین اوقات بملاحظه حسن سلوک و رفقا
 عالیجا افضلی خان نایب الحکومه عراق بسکن با خوف خود میرا
 با مورد زراعت عربیتی خود مشغول هستند و آنچه نیز نوشته
 اوطان خود مگر بخت اند عالیجا مشاوره آنها را در گری و خاطر
 جمعی داده و در کار جمع آوری میباشد

دیگر نوشته بودند که در بلوک متعنه من مجال گزینان خارج حیدر
 مالی سرفت شده بود است عالیجا نایب الحکومه در زور اید نموده
 و مال را بعینه استرداد و بصاحبش رد کرده است و چنین شخصی
 از امانی که هر دو یک نفر ناپسری خود را که بسن شصت سالگی
 بوده است بطبع اینکه جزئی مالی که دار و ضبط نماید مسموم کرده و مسموم
 شدن آن طفل هر سبب مالی آنجا ثابت شده بود است عالیجا نایب الحکومه
 آن شخص را بتمام مواخذه در آورده در جواب گفته است که ما درین طفل
 اورا مسموم ساخته است از اینکه علی الظاهر حسن کنی از مادر نبرند خود
 مستقیم بوده است نایب الحکومه عراق آن شخص را مجوس کرده است
 تا بد آنچه اولیای دولت قاهره حکم نمایند از اقرار معمول دارد

احوال متصرفه

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در سنه هزار و
 پنجاه و سیوی که دو سال پس ازین با در مالک است و بخت باب
 تربیت اطفال تمیم دی کس داشتند و حالادیت با کرده اند و مخار
 اینها از دیوان است و اطلاق و نخواهی که بجهت این مدارس
 وقف کرده اند غیر از قیمت عمارات خود مدارس و دیگر
 مستصدان پول ایران حساب کرده اند

۴۹۱

از یکی فایز نیا نوشته اند که باز مردم از کل اطراف روی زمین بجهت طلا با آنجا میفرستند بسیاری ازین اشخاص از اهل چین میباشند پارچه طلائی در معدن آنجا پیدا کرده اند که ارزش سه من بسنگ مشتم عباسی بوده است از اول پیدا شدن معدن مزبور تا بحال پارچه طلائی با این در آنجا مینامند بوده اند

از مملکت پروس نوشته اند که درین فصل بخار سیل زیاد در رودخانه آنجا آمده و پنجاه ایستگاه سیل سگته و رفته کاوه و کوه سفید زیاد نیز در میان آب تلف شده اند در کجا مقصد راس کوه سفید در میان آب سیل غرق و تلف شده و در جانی دیگر چهل هفت نفر مرد و زن را سیل برده است که نفس نوزده نفر از آنها را از میان آب در آورده اند بیست و هشت نفر دیگر را هنوز پیدا نکرده بوده اند و در جایی دیگر که تلخا زیم مینامند نوزده نفر بسبب افتادن خانها از سیل هلاک شده اند و مردم از راه احسان پول جمع میکردند که بر جای آنجا که بسبب تضرر شده اند

بدینند

کافداخر که از هندوستان رسیده از بمبائی میت و دویم و از کلکتته نیز هم جیب و از شهر مانگان چین هم رجب بود در خصوص جنگ در مملکت پروس نوشته بودند که باز مانگان جنگ و خونریزی در آن ولایت بود در همان اول که قشون انگلیس شهر رنگون را گرفته بودند اهل آن قشون در منزلی در آن نزدیک داشتند که با این جنگ بودند قشون جمع میکردند و میگفتند که قریب بیست قشون در آن اطراف داشتند و قسید که دولت انگلیس قشون

از هندوستان بان مملکت فرستادند سرگرد کان دولت انگلیس کان میکردند که اگر در خط اول قشونان فتح نمایان بکنند چنانچه کردند اهل برمه را نسبی صلح خواهد حال معلومشان شده است که اهل آن ولایت باز تدارک جنگ می بینند و قشون انگلیس لا بد میشوند که میان آنولا بروند و چون فصل تابستان در آنجا موسم باران است سفر کردن در جنگلهای آنجا بسیار مشکل میجو است

پیش از موسم باران حرکت کرد و میان آنولا بیت بروند در چهل فرسخی رنگون شهری دیگر است که آنهم در کنار رود و ششی بر روم است بنا داشته اند که از شهر رنگون با آنجا بروند آب و هوای رنگون بد است و قشون زیاد در آنجا تلف شده اند اما آب و هوای شهر روم را بطوریکه بسیار جان نوشته اند و تعریف میکنند بسیار خوب است و در تاریخ بیت و سیم جمادی الآخر تخمینا سه هزار نفر از قشون برمه در نزدیکی شهر مرتیان حمله قشون انگلیس آورده اند و میخواسته اند میان اردو انگلیسها بیایند بعد از جنگ جزوی نتوانسته اند و مرا کرده اند اما چونکه قشون برمه در کجا جمع بوده اند و توپ و خمپاره و سایر چیزها با آنها انداخته شده است کان دارند که از ایشان زیاد کشته شده است

در کل هندوستان طوفان بسیار شده و تگرگ زیاد آمده بود است در آنولا بیت فصل طوفان و تگرگ در آخر بهار است که یکماه پیش از آنکه باران بیاید طوفان و تگرگ اتفاق می افتد اما امسال پیش افتاده و یکجا بعد از عید نوروز طوفان شده و تگرگ آمده بوده است

اسلامبول شده است

از مملکت چین نوشته اند که یاغیان که در آن ولایت بودند باز پر زور بودند و درین روز با یک شهر را گرفته بودند و اهل آن شهر را بیست هزار تومان جریه کرده تخواه را گرفته و رفته اند

در روزنامه یونان نوشته اند که در باغات تاکستان آنجا امسال اقلی افتاده است که از خراب شدن حاصل ضرر زیاد بر عابای آن ولایت میرسد زیرا که اغلب کدو زبان و داخل عن آنها از حاصل انکو است که خشک گردیدند بولایات فرنگستان میفرستند در وقتیکه انکو غوره بود چیزی مانند شیرچسبند بر روی خوشه پدید آمده و غوره برشته و بعد از آن مسکی خوشه خشکیدند و در بعضی جاها بسیار درختهای میوه دار نیز این اقل افتاده است و حساب کرده اند که دو ثلث حاصل انکور امسال تلف شده است و نزدیک بشهر کارینت بالمره انکو ضایع شده باغانی که تازه بوده اند کمتر از باغات گذشته متضرر شده و چونکه در کم آمدن حاصل انکور ضرر زیاد بدیوان میرسد مردم بکل اطراف ولایات فرستاده اند و انعام کرده اند کسی که بتواند علاج این اقل را از انکور بکند و ازین معلوم میشود که کل مملکت یونان چند متضرری شوند که از اطراف شهر کارینت سالی بیشتر از یک گرو کشتش باطراف میفرستند و امسال نخواهند فرستاد و کشتی طبر انجیر که از اسلامبول بمصر بجهت شمیم ریت پسر ابراهیم پاشا پاشای سابق مصر فرستاده بود و تبارخ نیست و دویم رمضان از مصر برگشته و از کلا

کشتی بخار دیگر مال سلطان که پرنده بحری می نامند فرستاده پاشای مصر در او نشسته مراجعت بمصر می نمود و بار دیگر که بغاز پائین اسلامبول است رسیدند در آنجا بر یک نشسته بود و نتوانسته بودند از آنجا بیرونش بیاورند تا کشتی بخار دیگر آورده و با وسعت از آنجا بیرونش کشیده بودند و آن کشتی بخار دو می که آورده بودند اگر چه کوچک بود اما چنان زور داشت که کشتی سلطان را از یک پرون کشید و میان آب عمیق روان گردانید

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که در شهر پاریس یکی دینا بنا دارند که عمارتی مانند عمارت بلور که پاریس در لندن کشوده بودند در آنجا برپا نمایند بجهت گذشتن اجناس هر کل دول روی زمین و میخو استند این عمارت را امسال بکشایند که یا حاضر شده و بافضل اول بهار سال آینده خواهند کشود اما مکان ندارند که مردم بعدری که اجناس عمارت بلور لندن فرستاده بودند با آنجا بفرستند

کشتیهای جنگی و قشون بحری سلطان را که بیست یونان فرستاده بودند ببلاتینک رسیده بود و مصطفی پاشا سر کرده این قشون را کشتی خود شش پرون آمده بدین حاکم آن سمت رفته بود و حاکم آنجا چند باب عمارت در کنار دریا زده و سر کرده این کشتیها را در آنجا بجا کرده بود و جمیع علما و اعیان شهر سلانک و قشون دول خارج در آن جوانی بودند و میگفتند که کشتیهای

کشتیهای جنگی و قشون بحری سلطان را که بیست یونان فرستاده بودند ببلاتینک رسیده بود و مصطفی پاشا سر کرده این قشون را کشتی خود شش پرون آمده بدین حاکم آن سمت رفته بود و حاکم آنجا چند باب عمارت در کنار دریا زده و سر کرده این کشتیها را در آنجا بجا کرده بود و جمیع علما و اعیان شهر سلانک و قشون دول خارج در آن جوانی بودند و میگفتند که کشتیهای

۴۹۳

آن است بعد از چند روز توقف در آنجا روانه
ملکت البستی خوانند

چونکه حسب الحکم لوی ناپلیان رئیس دولت فرانسه
اکثر اموال او را لوی قلیپ پادشاه سابق فرانسه
منبط دیوان کردید درین روزها ضابطه قصبه و بنا
در ملکت فرانسه با چند نفر دیگر از نوکرهای دیوان
و سه صد چهار صد نفر قشون بیکی از عمارات لوی قلیپ
که در ملکت فرانسه است رفه اند و بسراید از خبر دادند
که در ب عمارت را بکشاید که از جانب دیوان تصرف
شوند سرایدار در آن کشوده است بعد از آنکه سه و ده
خبر کرده اند و کشوده است در ب عمارت را شکسته
و آنجا را منصرف شده اند و حال سرایدار درین
خصوص گویا ازین جهت بوده است که اگر بعد ازین
حرفی گفت کوی در باب این املاک باشد معلوم شود
که سرایدار بر ضایت خود عمارت را منصرف نداده است
و دیوان حکما و حتما منصرف شده است

بعضی از طوائف سرحدشین جزیره العرب با اهل فرانسه
که در آنجا متوقف اند و با آن اعراب که بدولت فرانسه
خدمت می کنند درین روزها حمله آورده اند و جنگ
جزئی در میان شان شده است دولت فرانسه قشون
بان سست فرستاده اند که نظم در آن سرحدات
بگذارند

یکی از بهترین عمارات روی زمین کلیتیبائی است که
در شهر نیسیلان ملکت ایتالیا ساخته اند درین روزها
دولت استریه صد و پنجاه هزار هزارن که تخمینا سی هزار

تومان پول ایران می شود آنچه تغییر کلیتیبائی نیز بر فرستاده

در سنکام عبور علیا حضرت امپراطریس روس از شهر کاشان
که در کنار رود دین جیاشد در دو طرف رودخانه چراغان
کرده و استیباب آتش بازی جدید بوده اند پادشاه
پرستیه که برادر امپراطریس است مسرا شارا البها
بوده است و چونکه آنجا بسیار جای مصفاست چند وقت
آنجا توقف خوانند که در کنار رودخانه دین در فکستان
اصفا و غیره مشهور است خصوصه بسبب ثغات زیاد و
بسیار و سایر اشجار میوه دارد در تابستان بسیار جای
خوب و با صفا میباشد در چهارم ماه رمضان پادشاه
پرستیه و امپراطریس وارد شهر کلون شده اند و در
بزیارت کلیسایی که یکی از قدیمترین کلیتیبائی و فکستان است
و جای مقدس میان ملت صیوی در بارگاه مردم آن طایفه
رفته بودند

در جزیره کریئه که جزو ممالک دولت عثمانی است جزیره
اعتشاش شده بود است بسبب اینکه اهل آنجا ضابطه
تنظیمات خیریه که در آن جزیره میجو استند بر قرار نمایند
بنودند و لکن این اعتشاش خیرتی بود و موافق خبر آخر
که از آن جزیره آید نام شده بود و منظور سلطان در جاری
کردن قاعده تنظیمات خیریه در کل ممالک عثمانیه دفع ظلم
در فاه حال عموم رعایاست اگر چه در بعضی جاها این قاعده

در خصوص ساختن راه آهن سخته تر و دکا اسکندریه بخارا پیش
اسکندریه و مصر و قاهره پای تخت آن ملکت نوشته اند